

آیا صبر تلخ ثمر شیرین خواهد داشت؟

در ماه مارچ امسال، فرید ذکریا مدیر مسئول نیوزویک انترنیشنل چاپ واشنگتن و معاون پست گلوبال در مقاله " آیا اواما میتواند سرمایه داری را نجات دهد " وضع بحرانی فعلی را به تفصیل گرفته است . او مینویسد که " سیستم سرمایه داری در گیر عمیقترین بحران در تاریخ خویش میباشد " . موصوف به نقل از جورج سوروس بلیونر و مبلغ نظام بورژوازی که در گردهمائی ای در یونیورسیتی کولمبیای امریکا اظهار داشته بود، مینگارد که ؛ " سیستم اقتصادی دنیا در حال از هم پاشی بوده و هیچ چارهٔ ممکنه برای حل بحران حاضر به نظر نمیرسد . در واقع وضع موجود مشابهت کامل با بحران همه گیر اقتصادی سالهای قبل از جنگ دوم جهانی (Great Depression) داشته موازی با فروپاشی اتحاد شوروی اما در جهت دیگر آن است . "

بدون چنین اعترافات هم " کاسهٔ چینی خود صفت خویش را ادا کرده است " . در سال ۲۰۰۷ در پهلوی سائر نوسانات مالی، ما شاهد در هم ریزی ۳ بانک بزرگ امریکا بودیم، در سال ۲۰۰۸ این رقم به ۲۵ بانک رسید و در ربع اول سال ۲۰۰۹ سیزده بانک به آن اضافه گردید . به احتمال قوی تعدادی از این بانکها با تغذیهٔ بلیونها دالر از حساب عامه، قسماً ملی خواهند شد . همچنان برای شرکتهای بزرگ خصوصی باز هم به خرچ مردم، ملیارد ها دالر وام پرداخته میشود و یا آنها از تأدیهٔ قسمی مالیات معاف میگردند تا اگر بتوانند از بحران نجات یابند .

وضع در سائر کشور های سرمایه داری بحرانیتر از آن است که به نظر میرسد . اربابان امور درین کشور ها هیچ نسخهٔ مشخصی برای برون رفت از این باتلاق ندارند . آنها همه در انتظار رکود در سیستم مالی و کالائی و عدم کارائی نظم موجود سرمایه در برابر پروبلمهای آینده، نشسته اند .

روزانه شرکتهای بزرگ، متوسط و کوچک در قطار افلاس ثبت نام میکنند . حتی حکومت ها نیز به ورشکستگی مواجه اند . پاول کروگمن اقتصاد دان برجسته امریکائی - برندهٔ جائزهٔ نوبل ، بتاريخ ۱۶ اپریل امسال، طی پیش کش نمودن گزارش مالی سال ۲۰۰۸ ضمن ارائهٔ ارقام و آمار ملالت آور ، در رابطه به افلاس احتمالی و قریب الوقوع اتریش ، با قاطعیت اظهار داشت که : " وضع ایسلند و ایرلند نهایت وخیم است و اتریش به حیث کشور سوم به آنها خواهد پیوست . "

سران کشور های عمدهٔ سرمایه داری، بانکها و کارتل های بزرگ با عجله و شتاب تدابیری روی دست میگیرند تا اگر " مرض " لا علاج است، حد اقل درد را تسکین بخشیده از شدت آن بکاهند. گاهی به قیمت بیکار ساختن هزاران کارگر دست به "صرفه جوئی" میزنند ، گاهی از شیخ های عرب استمداد میجویند و گاهی هم بمنظور بدست آوردن آرای مردم و یا آرام ساختن آنها، با استفاده از شعبده بازی های سیاسی و مانور های انتخاباتی، پول را به اصطلاح از یک جیب خارج کرده به جیب دیگر میریزند .

بحران موجود اثرات منفی صعب العلاجی بالای کشور های عقب گذاشته شدهٔ آسیائی و افریقائی بجا مانده است . همین اکنون فقر و گرسنگی ناشی ازین بحران و اقدامات "هماهنگ سازی" بازار آزاد که از جانب صندوق جهانی پول دیکته میشود ، بطور سرسام آور افزایش یافته است .

رابرت زوئلیک رئیس بانک جهانی در گزارش اخیر خود هشدار داده، که در نتیجهٔ افزایش هزینهٔ مواد مصرفی تنها در امریکای لا تین، ۲۶ میلیون انسان به فقر مطلق مواجه خواهند شد . فقیر ترین مردم دنیا به خطر سه جانبهٔ کمبود غذا ، مواد سوخت و پول روبرو خواهند بود . تخمین زده میشود که امسال ۴۴ میلیون انسان دیگر در نتیجهٔ ارتقای قییم مواد غذائی ، از سوء تغذی رنج خواهند برد .تعداد کسانی که مجبور اند با عاید کمتر از یک دالر در روز زندگی کنند ، به بیشتر از ۱،۵ میلیارد نفر خواهد

رسید . وضع زندگی روستائی رقتبار تر از آن خواهد بود .همزمان با آن راه های غیر معقول رسیدن به منابع پول از قبیل احتکار ، سرقت، فساد اداری، قاچاق، اعمال شیوه های خشن و مافیائی، خرید و فروش و برده سازی انسان در سراسر دنیا شیوع و ازدیاد خواهد یافت .

هر گاه یک فیصدی ناچیز مبالغی که برای بانکها، شرکت های خصوصی و مدیران بی کفایت آن هدیه شده است، برای رفع فقر و گرسنگی کشور های " جهان سوم" اختصاص داده میشود، میتوانست درد های زیادی را مداوا کند . چنانچه در ماه جون سال ۲۰۰۸ سازمان جهانی غذا، خواستار تخصیص فوری ۳۰ میلیارد دالر بمنظور احیا و صنعتی ساختن کشاورزی و بهبود سیستم آبیاری این کشورها مطالبه کرد .اما ۷،۵ میلیارد دالر برای آن اختصاص داده شد، آنهم با دوره های چهار ساله ، یعنی هر سال حدود ۱،۸ میلیارد و یا دو دالر برای هر فردیکه با فقر، گرسنگی و مرگ دست و پنجه نرم میکند .

در غرب بازپرداخت پول های غارت شده کشور های " جهان سوم " را - کمک - مینامند . اولاً این " کمکها " بخش بسیار ناچیزی از ثروت غارت شده است و ثانیاً آنها نه به نهاد های ملی و مردمی بلکه تحت نام " بازار آزاد " برای تجار و موسسات خصوصی که اکثراً از جانب خود غربی ها اداره میشود ، در شکل استعمار نو ، تأدیه میگردد .

سیر حوادث و رویداد ها کاملاً عکس انتظار و توقع اربابان زر را به صحنه می آورد . پس از فر و پاشی سوسیالیسم نابهنگام و نا سالم نوع شوروی ، چنان به نظر میرسید که بخت سرمایه داری شگوفه کرده و امپریالیسم امریکا بمثابه ابر قدرت یکه تاز میدان ، دنیا را در تمام عرصه ها اعم از سیاسی - نظامی ، اقتصادی و اجتماعی سمتهی خواهد کرد . اما واقعیت حکایت دیگری دارد .

اتحادیه اروپا بمثابة یک آلترناتیف تصمیم و عمل در برابر امریکا در حال عرض وجود است. چین و هند سهم شان را در تقسیم مارکیت بین المللی بطور سرسام آور ازدیاد و توسعه می بخشند. انزجار از استعمار نو و در مجموع سیستم سرمایه داری در گوشه و کنار دنیا در اشکال و محتوای مختلف و متنوع تبارز میکند. آنعده باند گروپ هائیکه از جانب غرب تحت نام مذهب و امثالهم، غرض مقابله با نهضت ها و نیرو های چپ، مترقی، دموکراتیک و ملی توظیف شده بودند، میله سلاح شانرا بسوی ارباب نشانه گرفته اند.

با لا تر از همه، سیستم "سوسیالیستی" اتحاد شوروی و نظامهای "سوسیالیستی" صادره آن به اروپای شرقی، چنانچه توقع میرفت و حکم جبر زمان بود، بمثابة مانع، رادع و کند کننده پیشرفت موزون و قانونمند جنبش چپ مارکسیستی و نهضتهای کارگری و سائر زحمتکشان بین المللی، دیگر وجود ندارد.

زیاد خوشبآوری نخواهد بود اگر ادعا شود که در حال حاضر جنبش بین المللی انسان کار و زحمت و در پیشاپیش آن نهضت ها و نیروهای چپ و مارکسیستی با در نظر داشت سلسله تفاوتهای محیطی و ملی، متناسب به شرایط عینی هر کشور و با تجربه از درسهای تلخ و ناگوار گذشته، نسج و تولد دوباره یافته است.

تا سی سال قبل اید یولوگهای سرمایه داری، این سیستم را بمثابة "یگانه مظهر دموکراسی"، پایان تاریخ تلقی میکردند، گویا هرگونه تحول میتوانست در پیشرفت تکنولوژیک و یا سیستم های انتخاباتی در وجود نظام سرمایه داری امکان پذیر باشد؛ اما گذشت زمان و روند وقایع چنان شد که امروز حتی نمایندگان و سخنگویان سرمایه هم اذعان میدارند که "آیا وقت آن نرسیده تا گرد از روی تعلیمات مارکس برداشته شود؟" سیستم سرمایه داری دیگر شایستگی زیستن را ندارد.

یقیناً آلترناتیف فکری ای که بیشتر از صد و پنجاه سال قبل فرمولبندی شده بود، نه تنها هنوز هم به قوت خود باقیست بلکه متناسب با رشد تکنولوژی، وسعت تضاد

طبقاتی در سطوح ملی و بین‌المللی، دقیق شدن بیشتر تناقض لایه‌های اجتماعی، ارتقای آگاهی عمومی سیاسی و فرهنگی، غنی‌تر شده پروسه کمالش را می‌پیماید.

میتوان به عنوان مشت نمونه خروار، رخداد هائیرا که درین اواخر در همین راستا در کران تا کران دنیا بوقوع پیوسته، سرهمبندی کرد:

- در تابستان سال گذشته بیشتر از ۲۰ هزار کارگر نساجی مصر به اعتصاب دامنه داری دست زده و طی آن برای مدت طولانی کارخانه هایشانرا در تصرف آوردند
- در اگست ۲۰۰۸ کارگران کارخانجات نساجی، خانه سازی، پتروشیمی، راه آهن و فولاد در افریقای جنوبی، مراکش، اردن، لبنان و اسرائیل غرض ازدیاد معاشات، بهبود شرایط کار و وضع ایمنی دست به تظاهرات و اعتصابات وسیع و دوامداری زدند.
- برخاستن کتله‌های وسیع توده‌های کارگر و دهقان در هند، پاکستان و بنگله دیش در سال پار، نمونه دیگری از انزجار مردم نسبت به سرمایه داری و آمادگی برای تغییر میباشد.
- سالی که گذشت شاهد سقوط رژیم فرتوت سلطنتی در نیپال به دست نیروهای چپی آنکشور بودیم.
- در سال گذشته، هم‌آوائی اکثریت مردم ونزوئلا به ندای هوگو چاوئیز رهبر آن کشور در رابطه با هسته گذاری تدابیر در جهت اعمار جامعه فارغ از ستم و استثمار، نشانه آگاهی آنها از وضع و منافع طبقاتی است.
- نقش برانزده و فعال نیروهای چپی و مارکسیستی در اکوادور و چیلی در سالی که گذشت ارتقای بیشتر یافت.
- در تابستان سال گذشته کارگران ترانسپورتی هسپانیا، فرانسه و ایتالیا بمنظور شرایط بهتر کار و بر ضد ارتقای قیمت مواد سوخت، با اعتصابات سه هفته‌ای، چرخ صادرات و واردات بین‌الاروپائی را به رکود مواجه ساختند.
- در یونان کارگران و سائر اقشار زحمتکش از بیداد ستم سیستم فاسد سرمایه داری آنکشور به ستوه آمده، دست به تظاهرات وسیع، دوامدار و قسماً خشونت آمیز زدند.

- بتاريخ ۲۳ اکتوبر ۲۰۰۸ بیشتر از نیم ملیون کارگر در کولمبیا با شعار سوسیالیزم راه پیمائی نمودند .
- بتاريخ ۳ فبروری امسال کارگران کارخانجات خرسون در اوکراین از جبر کار فرمایان به ستوه آمده، کارخانه هایشانرا اشغال و تقاضای ملی نمودن آنرا بلند کردند .
- بتاريخ ۱۲ فبروری امسال بیشتر از یک ملیون کارگر و دهقان در ونزویلا راه پیمائی نموده، به پشتیبانی از طرح های چاویز، خواهان ملی شدن کارخانجات بزرگ و اصلاحات اراضی شدند .
- در انتخابات بولیوی در اوایل امسال، نهضت چپی و مارکسیستی آنکشور برنده گردید .
- در انتخابات ملداوی نیز کمونیستان برنده شدند .
- بتاريخ ۲۷ مارچ سال جاری شاهد برپائی پر شور کنگره بخشی از چپی ها و مارکسیستهای پاکستان - **Pakistan Marxist Tendency** - بودیم .
- اشغال قسمی کارخانه ها در فرانسه، ایتالیا و هسپانیا توسط کارگران آن کارخانه ها نمونه ای از روح تازه مبارزه در راستای حصول منافع کارگران اروپا بشمار میرود .
- تظاهرات وسیع علیه گردهمائی سران ۲۰ کشور صنعتی جهان در لندن و سائر نقاط اروپا و همچنان تظاهرات دامنه داردر فرانسه و آلمان در آستانه تجلیل از شصتمین سالگرد ناتو، نشانه انزجار مردم اروپا نسبت به نیوگلوبالیزم و در مجموع امپریالیزم است .
- همین اکنون بخشی از دهقانان آلمان غرض ارتقای مناسب و عادلانه قیمت فروش مواد خام تولیدی شان، علیه دلان و کارخانجات پروسس این مواد در حال اعتصاب و مظاهره اند .
- قرار پیشگوئی اهل خبر و رسانه های گروهی غرب، در تابستان سال جاری در پی ازدیاد رقم بیکاران، بالا رفتن قیم مواد ارتزاقی و سایر مصائب ناشی از بحران موجود، ناظر موج وسیعی از اعتراضات کارگران و دهقانان علیه سیستم نابکار و فرسوده سرمایه داری خواهیم بود .

وضع موجود خواهان انسجام بهتر نهضت های چپ و مارکسیستی همراه با سائر نیروهای مدافع منافع کارگران و دیگر زحمتکشان در سطوح ملی و بین المللی بمثابة پيشتاز و روشنگر مبارزات عليه مجموع سيستم سرمايه و تمام بقايا و مظاهر آن ميباشد. آنها رسالت دارند تا با تنظيم و بهم مرتبط ساختن اين کارزار بظاهر پراکنده در دراز مدت ، درفش پيکار جهش به سوی اعمار جوامع بد و ن ستم و استثمار را مدبرانه و حوصله مندانه برافرازند و با درنظر داشت فکتور زمان از صبر فرساینده تلخ ثمر شیرین بردارند .

18.04.2009